



روایت آخر مسافر جاده اندوه و حماسه

# غربت بس است، روسوی آن کوی و بام کن...

## «امین» خستگی ناپذیر خراسان در کنج رواق «دارالذکر» مأوا گرفت

### گزارش

امروز در تقویم تاریخ ایران، آفتاب بر فراز گنبد طلایی خراسان، متفاوت از همیشه طلوع کرد. پنجشنبه ۱۸ تیرماه مشهدالرضا (ع) نه در غبار، که در هاله‌ای از نور، حماسه و اشک، آغوش مادری خود را بر پیکر مردی گشود که تمام عمرش را در مسیر هدایت امت پیمود و سرانجام پیمان جهاد را امضا کرد. مسافران عتبات به خراسان بازگشت؛ به خانه خورشید. او که نگاهش سال‌ها لنگرگاه امت بود، حالا خسته از مجاهدت سالیان، به همان زادگاهی برگشته که روزی در قامت جوانی رسید، برای تحصیل علوم دینی و مبارزه آنجا را ترک کرده بود. مشهد، دست‌برسپینه و تمام‌قامت ایستاده تا شاه‌بیت قصیده‌ی باشکوه وداع باشد؛ قصیده‌ای که به شدت پسند طبع لطیف و روح شاعرانه آن سید خراسانی بود؛ دیری است زاشیانه جدا مانده‌ای «امین» غربت بس است رو سوسی آن کوی و بام کن... «امین» (تخلص سروده‌های رهبر شهید انقلاب) آمده است تا کرد خستگی از تن بکند و در سایه دیوار نقاره‌خانه بهشت هشتم بیاساید. مشهدالرضا (ع) خود را برای نخستین روز سال و استماع پیام بهاری رهبرش آماده کرده بود، اما تقدیر محرم، قاب دیگری بست؛ قاب مردمی که با نگاه‌های اشک‌بار و در هیاهوی یاد داغ تیرماه، خودروی حاصل پیکر قائد خود را از میدان ۱۵ خرداد دربرگرفتند. فرود هوایمای حامل پیکرها در فرودگاه شهید هاشمی نژاد، بانگ آغاز یک ابرویداد تاریخی بود که نظیرش را طوس تنها در دی ماه ۱۳۵۷ به یاد داشت. شهرخورشید امروز در تلاطم بی‌امان دستان اقوام ایرانی، می‌رود تا با طواف برگرد ضریح، آخرین قاب ملکوت را روی صفحات تاریخ معاصر حک کند.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌ی میلیون زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود... پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوهی که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

را به خیابان امام رضا (ع) برسانند و یا مردانی از چهارمحال و بختیاری با لباس‌های سنتی شان، پرچم سه‌رنگ کشور را بر فراز دست گرفته، شانه‌به‌شانه یاران خراسانی رهبر شهید، به سمت میعادگاه وداع حرکت می‌کنند.

### طنین صدای قائد و زلزله اشک در بهینه خیابان‌ها

یکی از دراماتیک‌ترین و سوزناک‌ترین لحظات تشییع، زمانی بود که به تناوب، صدای ضبط شده رهبر شهید از بلندگوهای غول‌پیکر مسیر پخش می‌شد. با طنین آن صدای آشنا، آرام و پرصلاطت، گویی جانی دوباره به جمعیت تزریق می‌شد؛ شیون و صدای گریه دسته جمعی مردم در فضا می‌پیچید و عزاداران، اشک‌باران بر سر و سینه می‌زدند. هتل‌ها، رستوران‌ها و خانه‌های مجاور خیابان امام رضا (ع)، درها را به روی زائران خسته و گرم‌زده باز کرده و با توزیع مداوم بطری‌های آب خنک، تلاش می‌کردند بار سنگین آفتاب داغ تابستان را از دوش تشییع‌کنندگان بردارند. در وقت نماز ظهر، اقیانوس انسان در کنار پیاده‌روها و بر روی سنگفرش‌های داغ، صفوف نماز جماعت را تشکیل دادند تا ارادت خود را به فقه این فقیه صبور نشان دهند. سهم هر کس، به اندازه ارادت بود که او را فرستگ‌ها پیاده در این مسیر کشانده بود.

### تلاقی تابوت و گنبد طلا؛ قاب ماندگار ملکوت

حوالی ساعت ۱۹ عصر به دلیل ازدحام جمعیت در حد فاصل چهارراه دانش تا حرم مطهر رضوی، ادامه انتقال پیکر در میان ضجه‌های مکتوم و شعارهای حماسی به صورت هوایی به حرم مطهر امام رضا (ع) انجام شد. در این لحظه، زیباترین و تکان‌دهنده‌ترین صحنه این سفرنامه در لنز تاریخ ثبت شد: قابی مشترک از تابوت پیکرها در تلاقی با گنبد و گلدسته طلایی حرم رضوی. گویی روح بلند قائد شهید، دست‌برسپینه بر فراز دستان امت ایستاده و زمزمه می‌کند: «اللهم صل علی علی بن موسی الرضا المرزعی الإمام التقی النقی و حجتک علی من فوق الأرض و من تحت الثرى ...»

این شهر پیش‌تر از اینها و برای نخستین روز سال نوروز، خود را برای استقبال از رهبرش و شنیدن پیام استراتژیک او آماده کرده بود؛ اما تقدیر سرخ چنین رقم زد که این بار، مردم نه با چشمانی ذوق‌زده و مشتاقی، بلکه با نگاه‌های اشک‌بار و سینه‌هایی غم‌آلود، خود را برای دیداری به حرم برسانند که دیگر هرگز در این جهان تکرار نخواهد شد.

### اقامه نماز در امتداد شاهراه

به دلیل تکمیل آبی و مه‌نازناپذیر ظرفیت صحن‌های بارگاه منور، به‌ویژه صحن پیامبر اعظم (ص) و صحن جامع رضوی، اقامه نماز بر پیکر مطهر به ناچار به خیابان‌های منتهی به حرم نیز کشیده شد. میلیون‌ها زائر یکصدا فریاد می‌زدند: «عزاست امروز، روز عزاست امروز / امام هشتم ما، صاحب عزاست امروز».

پس از طنین نماز مغرب و عشاء در صحن پیامبر اعظم (ص)، اقیانوس عزاداران به قامت ایستادند تا نماز بر پیکر مطهر قائد شهید و خانواده گرمی‌شان به امامت فرزند ارشد رهبر شهید اقامه شود. با اتمام این مناسک وداع، پیکرها بر دوش خدام و میان ضجه‌های مکتوم بیت، برای آغاز مراسم خاک‌سپاری به رواق «دارالذکر» در صحن آزادی حرم مطهر رضوی منتقل شدند.

### رمزگشایی از غزل ناتمام «امین»

اینجا، در خط پایانی روایت، باید به یک از شاعرانه و مکتوم پناه برد. سال‌ها پیش، رهبر شهید با تخلص ادبی «امین»، غزلی سرود که گویی آدرس دقیق امروز و نقطه پایانی این جاده سرخ را در آن پیش‌بینی کرده بود. او در انتهای آن غزل ناب، رو به آستان رضوی نجوا کرده بود: دیری است ز آشیانه جدا مانده‌ای «امین» / غربت بس است، رو سوسی آن کوی و بام کن / دامم که مستمند و تهدست و بی‌کسی / از بارگاه فیض رضا (ع) توشه وام کن / و آنجا که آمد و شد خیل ملانگ است / کنجی گزین و تا به قیامت مقام کن /... امروز، بیت آخر این غزل محقق شده است. در طرح ضریح مطهر رضوی، در هشت لچکی چهارگوش آن، نقش‌هایی از «گل آفتابگردان» به عنوان نمادی از شمس‌الشموس تعبیه شده است؛ همان جایی که خدامان حرم، کنجی را برای مقام ابدی امین امت برگزیده‌اند تا او در آغوش گل‌های آفتابگردان ضریح، برای همیشه سر بر آستان ولی نعمت خود بگذارد.

### دیگر جاده به انتها رسید

جغرافیای این هجرت سرخ از شرحی خزر به آفتاب تموز نجف، از جره‌های فیضیه به بین‌الحرین و سرانجام به آیین خاک‌سپاری در طوس گره خورده است. مسافر جاده اندوه و حماسه اما، دیگران آدم روز اول نیست؛ او حالا چشمانی که غبار نجف فقل شده و سینه‌ای که هنوز از هوسات (جزهای عشایر در عمود ۹۰۰ کربلا سنگین است، به جاده‌های سرسبز مازندرانی رسیده که روز اول، روایت این سوگ بزرگ را از بستر شرحی آن و از کنار منزار یاران سفر کرده آغاز کرد.

### اگر مشهد امروز حرف میزد

امروز من گذرگاه نبودم؛ بستر یک تمدن بودم. دستان سپید بلوچستان، شال‌های محلی چهارمحال، لپاس‌های گز و گرد و عرب، روی سینه‌ام یک خط ممتد پایداری ساختند تا جهان بداند این مسافر، لنگرگاه بقیت است که با شهادت سست نمی‌شود. دو رنگ مشکی سوگ و سرخ انتقام را بر تن کردم تا تابوت «امین» از میدان ۱۵ خرداد بگذرد. پسر محله خسروی امروز در تارپوید اشک‌های من به خانه برگشته است. ۶۰ سال بود او را به مصلحت، به پاستور و فیضیه امانت داده بودم. امروز که آمد، نقاره‌ها نمی‌نواختند؛ طوفانی از انسان کوهسنگی و احمدآباد را بلعیده بود تا خادم روضه‌های منوره، برای همیشه زیر سایه شمس‌الشموس سر بر بالین خاک بگذارد.

در مدار طلایی طوس، به آرامش ابدی رسید. دریا در شمال آرام است و «خز» به استقبال مسافری آمده که در منازل پنجگانه قبل، در انتهای هر گزارش با اطمینان نوشت: «فردا جاده روایت دیگری خواهد داشت...» چراکه جاده زنده بود و پیکر رهبر شهید بر دوش امت به پیش می‌رفت، اما امشب، ساعت ۲۰ همزمان با طنین نماز لیل‌الدفن در سراسر کشور، عقربه‌ها می‌ایستند، خاک‌سپاری به پایان می‌رسد و رهبر دیرین امت در آغوش خورشید آرام می‌گیرد. مسافر جاده اندوه و حماسه حالا دیگر رو به افق مه‌گرفته شمال می‌ایستد و می‌نویسد: فردا جاده روایت دیگری ندارد؛ روایت جاده به آغوش خورشید رسید و تمام شد...

روایت مکتوم در شناسنامه این سال‌ها می‌گوید از همان دهه‌های پیش از انقلاب که رهبر شهید در قامت مبارزی پرشور، خطیب صحن عتیق و پسر زاهد محله خسروی و بازار سرشور مشهد بود و سپس با طلوع انقلاب، به اصرار امام (ره) و به دلیل بار سنگین تکالیف استراتژیک امت، زادگاهش را به مقصد تهران و جبهه‌ها ترک کرد، دیگر هرگز فرصت سکونت و زیست دائم در پس کوچه‌های زادگاهش را نیافت. ۶۰ سال دوری عینی از حال‌وهوای بومی خانه‌ای که در آن قد کشیده بود، بهایی بود که این فقیه صبور برای اداره امت پرداخت. او مشهد را رها کرد تا جهان اسلام را مدیریت کند و حالا پس از ۶۰ سال دور ماندن مصلحتی، خادم خورشید به آغوش وطن مادری‌اش بازگشت.

### یاران خراسانی سنگ تمام گذاشتند

ساعت ۱۴ روز پنجشنبه ۱۸ تیرماه، پس از ۱۱ ساعت انتظار توأم با بغض مجاوران، انتظارها به سر رسید. هوایمای حامل پیکر رهبر شهید انقلاب و اعضای شهید خانواده ایشان که سپیده دم فرودگاه نجف را ترک کرده بود، در فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد به زمین نشست. مشهد به میزبانی فرزند شهیدش تمام‌قد نوازند. با اینکه ستاد تشییع، مسیر رسمی را از میدان ۱۵ خرداد اعلام کرده بود، اما از نخستین ساعات بامداد، خیابان‌های فرعی «نواب صفوی، شهدا، شهید اندرزگو و چهارراه دانش» لبریز از کاروان‌های پیاده‌ای بود که شب را در پیاده‌روها به صبح رسانده بودند.

### رنگ آمیزی خیابان امام رضا (ع) با دو رنگ سوگ و انتقام

با ورود خودروی حامل پیکرها به ابتدای خیابان امام رضا (ع) و شامه‌ی پایانه مسافربری، طوفان اصلی آغاز شد. اقیانوس انسانی مشهد به غلیان درآمد. خیابان امام رضا (ع) رسماً به صفحه‌ای رنگ‌آمیزی شده با دو تم متمایز تبدیل شد؛ مشکی عزای قائم است، و سرخی بی‌امان پرچم‌های «با لثارات الحسین و انتقام که در پیاد تموز به اهتزاز درآمده بودند.

جمعیت به قدری متراکم و فشرده بود که خودروی حامل پیکرها در دست‌انداز عواطف مردم، سانسوی متری حرکت می‌کرد. کوچه پس‌کوچه‌ها و به قول مردم مشهد میلان‌های اطراف فدائیان اسلام و بهار کاملاً مسدود شده بود و تردد حتی با پای پیاده به سختی صورت می‌گرفت. در این میان، پلاکاردها و دست‌نوشته‌های انگلیسی جوانان مشهدی با ترجمه‌ی «We stand up to the end (ما تا آخر ایستاده‌ایم)، پیام راهبردی این تشییع را به کیت‌های رسانه‌ای جهان مخایره می‌کرد؛ پیامی مبنی بر اینکه تفکر استراتژیک آقای شهید، با شهادت ترور نمی‌شود.

تجلی یکپارچگی ملی؛ از سپیدی سروان تا شال‌های چهارمحال نقطه‌تقل این ابرویداد تاریخی، تجلی شکفت‌انگیز یکپارچگی یک ملت بود. مشهد امروز پایتخت تمام اقوام ایرانی بود؛ گرد و تُرک، فارس و عرب، لک و لر، همگی زیر یک بیرق می‌گریستند. در میان سیل خروشان، حضور معنا‌دار مردان اهل سنت با لباس‌های سپید محلی سیستان و بلوچستان، چشم‌دربین‌ها را خیره کرده بود. «محمد» جوانی که پیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مسیر از شهرستان سروان طی کرده تا خود

سال‌ها پیش، رهبر شهید با تخلص ادبی «امین»، غزلی سرود و در انتهای آن غزل ناب، رو به آستان رضوی نجوا کرده بود: کنجی گزین و تا به قیامت مقام کن... حالا امروز خدامان حرم، کنجی را برای مقام ابدی امین امت برگزیده‌اند تا او در آغوش گل‌های آفتابگردان ضریح، برای همیشه سر بر آستان ولی نعمت خود بگذارد.

«سید جوده» کربلا رسید؛ محدوده‌ای باستانی که کالبد عارف واصل، سید هاشم الحداد (از شاگردان برجسته آیت‌الله قاضی) را در دل دارد؛ تلاقی غریبی از فقه، عرفان و مبارزه در غبار شبانه کربلا. کاروان با کندی مفرط حرکت می‌کرد؛ ساعت ۲۰:۰۰ بامداد به عمود ۱۳۶۹ رسید و ۱۰:۰۵ بامداد پنجشنبه بود که چرخ‌های خودرو وارد «شارع العباس» شد تا نخستین قاب مشترک تابوت قائد امت با گنبد منور علمدار، در لنز دوربین‌های بین‌المللی ثبت شود.

### آوای طواف در حریم شش گوشه

ساعت ۲:۵۳ بامداد، انتظار ۱۱ ساعته کربلا سرآمد و سینه شب شکافت؛ پیکر از باب‌القبله وارد آستان حسینی شد. در آن لحظه دراماتیک، پخش صدای ضبط شده رهبر شهید که بر جدش حسین (ع) سلام می‌داد، زلزله‌ای از اشک در بین‌الحرین به پا کرد. پیکر بر دوش خدام دور ضریح شش گوشه طواف داده شد تا پایان چندین دهه فراق عینی این فقیه صبور در خاک کربلا رقم بخورد. سرانجام ساعت ۴:۱۴ صبح همزمان با اذان فجر، پیکر رهبر شهید وارد حرم جانناز کربلا شد.

### سحرگاه علمدار و هجرت به مدار خورشید

ساعت ۴:۳۰ صبح، علامه سید احمد الصافی، نماینده مرجعیت عالی و تولیت آستان عیاشی، در میان خلوتی متراکم جمعیت آخرین نماز را بر پیکر قائد شهید اقامه کرد. بلافاصله پس از نماز، پیکر وارد حرم و در میان ضجه‌های خدامان گلباران شد. با پایان این مراسم ۱۱ ساعته، هوایمای حامل پیکر حوالی ساعت ۵:۲۰ صبح پنجشنبه فرودگاه نجف را به مقصد مشهدالرضا (ع) ترک کرد؛ هجرتی سرخ از فرات تا طوس که به دلیل این سنگ‌تمام بی‌نظیر عراقی‌ها، شروع مراسم ایران در مشهد مقدس را به ساعت ۱۴ روز پنجشنبه موخر کرد.

### ۸ لچکی

زویای چهارگوش ضریح مطهر رضوی که با نماد مینیاتوری «گل‌های آفتابگردان» به نشانه گردش کائنات در مدار شمس‌الشموس طراحی شده است؛ همان جا که مزار ابدی رهبر شهید است.

### ۱۰۰۰ کیلومتر

مسافت طی شده توسط هموطنان اهل سنت سروان برای اثبات وفاداری به رهبر شهید در خیابان امام رضا (ع)



سفرنامه وداع

گزارش



- جمعه ۱۹ تیر ۱۴۰۵
- ۲۵ محرم ۱۴۴۸

سال سی و دوم

Friday 10 July 2026